




Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0)

 <http://dx.doi.org/10.22067/pg.2021.69374.1029>

پژوهشی

تبیین هستی‌شناسی دولت ناحیه‌ای کردستان عراق

محمود مبارکشاهی (دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران)

m.mobarakshahi@gmail.com

محمدرضا حافظ‌نیا (استاد جغرافیای سیاسی دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران. نویسنده مسئول)

hafezn_m@modares.ac.ir

ریباز قربانی نژاد (استادیار جغرافیای سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران)

r-ghorbaninejad@srbiau.ac.ir

ابراهیم رومینا (استادیار جغرافیای سیاسی دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران)

e.roumina@modares.ac.ir

چکیده

۲۹ سال از تشکیل اولین دولت ناحیه‌ای در بخشی از مناطق کردنشین عراق شامل استان‌های اربیل، سلیمانیه، دهوک و حلبچه می‌گذرد. اقلیم کردستان و دولت منطقه‌ای آن از زوایای مختلفی مورد مطالعه و بررسی واقع شده است؛ اما تاکنون از منظر هستی‌شناسی، مورد بررسی و مطالعه واقع نگردیده است؛ این مقاله در پی بررسی و شناخت هستی‌شناسی این دولت ناحیه‌ای از منظر «ماهیت و چیستی» و «چرایی و ضرورت» می‌باشد. این پژوهش از لحاظ ماهیت، توصیفی-تحلیلی می‌باشد. در این تحقیق روش گردآوری اطلاعات، با توجه به نوع و ابعاد آن به صورت کتابخانه‌ای می‌باشد و در تجزیه و تحلیل اطلاعات از روش کیفی استفاده شده است. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد عوامل مؤثر در تبیین هستی‌شناسی دولت ناحیه‌ای کردستان - عراق چندعاملی بوده که برخی از عوامل نقش پایه‌ای و زیربنایی داشته‌اند. مهم‌ترین عامل تأثیرگذار در فرایند شکل‌گیری دولت ناحیه‌ای کردستان، مسئله‌ی هویت طلبی ناحیه‌ای بوده است. هویت طلبی ناحیه‌ای زمینه‌ساز شکل‌گیری اندیشه ناسیونالیسم قومی و به تبع آن مطالبه‌ی حق تعیین سرنوشت با توجه به تمایزات جغرافیایی و فرهنگی میان کردستان و سایر بخش‌های عراق و در چهارچوب الگوهای رایج در سازمان‌دهی سیاسی فضا یعنی خودمختاری و فدرالیسم بوده است. کلمات کلیدی: هستی‌شناسی، دولت‌های ناحیه‌ای، هویت طلبی، ناسیونالیسم قومی، خودمختاری، کردستان عراق.

۱- مقدمه

رویکرد حکومت‌های مرکزی در مواجهه با مسئله‌ی گروه‌های اقلیت در نواحی قومی، منجر به همگرایی یا واگرایی گروه‌های مذکور می‌گردد. همگرایی و واگرایی دو رفتار متضاد در روابط دولت‌ها و بازیگران سیاسی می‌باشد. شکل‌گیری، بقا و یا سقوط فرایند همگرایی و واگرایی تابعی از تلقی دولت‌ها و بازیگران نسبت به منافع ملی و جمعی یا فردی خود است. به عبارتی بازیگری که تن به شرکت در فرایند همگرایی یا واگرایی با سایر بازیگران را می‌دهد به این می‌انديشد که این عمل تا چه اندازه منافع او را تأمین و تهدیدات را از او دور می‌سازد. بنابراین

فلسفه این دو پدیده را درک وجود منفعت برای بازیگران در پرتو شکل‌گیری آن‌ها تشکیل می‌دهد (Hafeznia, 2006: 373).

همگرایی به لحاظ مفهومی عبارت است از تقریب و نزدیک شدن افراد به سمت نقطه‌ای مشخص که معمولاً به‌عنوان هدف مشترک آنان شناخته می‌شود، واگرایی در برابر آن، عبارت است از تفکیک و جدایی از همدیگر و دور شدن آن‌ها از هدف مشترک و حرکت به سمت هدف‌های خاص (Ibid, 373). یکی از مؤثرترین عوامل منسجم‌کننده ساختار ترکیبی ملت، مشارکت متوازن اقوام و اجزای ملت در سرنوشت و امور ملی است (Hafeznia, 2008: 185). احساس تبعیض و تحقیر هویتی و به حاشیه راندن زبان و فرهنگ و همچنین عدم مشارکت واقعی و متوازن در قدرت، مبنای اصلی ناحیه‌گرایی و مطالبات ناحیه‌ای است. انسجام همگرایی واحد سیاسی بدون توجه به ساختار فضایی پراکنش انسانی از لحاظ انگاره‌های فرهنگی بسیار مشکل می‌نماید.

تاریخ جدید عراق به‌عنوان واحدی سیاسی، متأثر از سیاست‌های بریتانیای کبیر بوده است که بلافاصله بعد از جنگ جهانی اول، ولایت‌های بصره و بغداد را بر روی ویرانه‌های خاورمیانه، به همدیگر الحاق نمود (Anderson & Stansfield, 2004: 6).

آنچه مسلم است شکل‌گیری کشوری به نام عراق در قرن بیستم، متأثر از اراده عامل بیرونی بوده و عامل درونی یعنی اراده مردم در ایجاد کیان سیاسی عراق، بسیار کم‌رنگ بوده است. ایجاد کشور عراق، تا آن اندازه که در راستای منافع بریتانیا عمل می‌نمود، در راستای اکثریت مردمان عراق یعنی شیعیان در جنوب و کردها در شمال نبود، سرنوشت عراق همان‌طور که در کنفرانس ۱۹۲۱ قاهره رقم خورد، مخلوق دیدگاه منافع استراتژیک بریتانیا بود (Asasard, 2001: 120).

مطالبات کردهای عراق از زمانی شکل گرفت که آن‌ها به‌زور مجبور به الحاق به عراق جدید (یا به قول انگلیسی‌ها، بین‌النهرین) شدند. این مطالبات در طیفی از مطالبه‌ی استقلال و تشکیل حکومت تا خواسته‌های فرهنگی و سیاسی در نوسان بوده است (Hasan mistaffa, 2018: 132). کردهای عراق از همان ابتدای شکل‌گیری هسته‌ی حکومتی در بغداد، مخالفت خود را با الحاق ولایت موصل اعلام داشتند و خواستار تشکیل کیانی سیاسی بر اساس انگاره‌های هویتی خود شدند.

۲۹ سال از تشکیل اولین دولت ناحیه‌ای در بخشی از مناطق کردنشین عراق شامل استان‌های اربیل، سلیمانیه، دهوک و حلبچه می‌گذرد. اقلیم کردستان و دولت منطقه‌ای آن از زوایای مختلفی مورد مطالعه و بررسی واقع شده است؛ اما تاکنون از منظر هستی‌شناسی، مورد بررسی و مطالعه واقع نگردیده است؛ در این مقاله تلاش می‌شود هستی‌شناسی دولت ناحیه‌ای کردستان عراق از منظر فضایی و چرایی و ضرورت، مورد بررسی واقع گردد. تبیین علت وجودی در اینجا به معنای عوامل و انگاره‌های تأثیرگذار در برپایی دولت ناحیه‌ای کردستان می‌باشد. کردهای عراق از زمان الحاق ولایت موصل به ولایت‌های بغداد و بصره و تشکیل این کشور، در راستای دستیابی به حقوق برابر و تقسیم فضایی قدرت، به دنبال تشکیل و برپایی سازه‌ی فضایی و سیاسی در چارچوب سرزمین خود بوده‌اند.

تبیین هستی‌شناسی دولت ناحیه‌ای کردستان عراق از منظر جغرافیایی - فضایی، مستلزم پاسخ‌گویی به این سؤال اساسی می‌باشد که اصولاً فلسفه‌ی وجودی، عوامل و ضرورت‌های تشکیل دولت ناحیه‌ای کردستان عراق چیست؟

۲- مفاهیم نظری

۲-۱- ناحیه

مجله «جغرافیای ملی»^۱ ناحیه را بخشی از زمین می‌داند که دارای مشخصات و ویژگی‌های مشترکی باشد. یک ناحیه می‌تواند با ویژگی‌های طبیعی یا مصنوعی شناخته شود. زبان، نوع حکومت و مذهب و همچنین پوشش گیاهی جنگلی، حیات وحش و اقلیم می‌تواند مبنای تمایز و تعریف نواحی قلمداد گردند (National Geography, 2018). ناحیه، در علوم اجتماعی، به پهنه‌ای به هم پیوسته گفته می‌شود که با عناصر متجانس و ملاک‌های مشخص، از نواحی و پهنه‌های هم‌جوار شناخته می‌شود (Britanica, 2018).

پیتر هاگت مبحث ناحیه را یکی از مباحث مهم در جغرافیا می‌داند و در تعریف ناحیه می‌گوید «ناحیه عبارت است از هر قطعه زمین از سطح کره ارض که ویژگی‌های طبیعی و انسانی معینی، آن را از نواحی پیرامون متمایز می‌گرداند» (Haggett, 2013: 28).

۲-۲- هویت قومی

قومیت و ملی‌گرایی قومی، با هر تعریف، مفاهیمی مرتبط با مقوله هویت و مؤثر بر هویت دولت یا در رقابت آن است. یک گروه قومی از آن‌رو با گروه‌های قومی دیگر تمایز و مرزبندی دارد که هویت متفاوتی - خواه واقعی یا تصویری- برای خود قائل بوده و کمابیش بر اساس همین تمایز هویتی رفتار می‌کند (Haghpanah, 2007: 67). در فرایند هویت خواهی قومی نوع واکنش و برخورد با این مسئله از جانب دولت‌ها در کشورهای با ترکیب چند قومی، در بروز شکاف و رادیکال شدن مطالبات هویت خواهانه تأثیر زیادی خواهد گذاشت در این باره انریک لارنا و دیگران معتقدند که سرکوب دولتی می‌تواند تمایزات ما- آن‌ها را تشدید کند و هویت‌یابی و تعهد گروهی را تقویت نماید (Larna & Others, 2007: 35).

با در نظر گرفتن تعاریف مختلف و اظهارنظرهای گوناگون در ارتباط با هویت قومی یا اتنیکی، شناسه‌های ذیل به صورت ترکیبی هویت ناحیه‌ای یا قومی را شکل می‌بخشد:

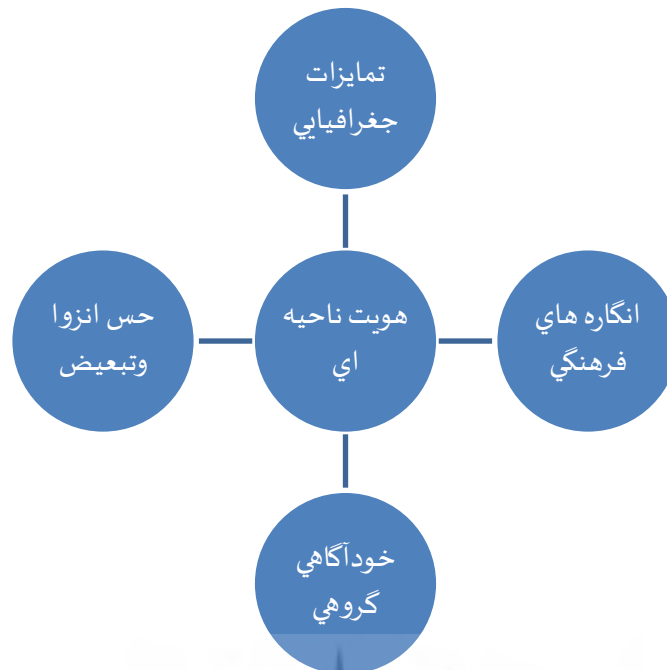
۱- تمایزات جغرافیایی؛

۲- انگاره‌های فرهنگی (زبان، نژاد، مذهب، آداب و رسوم)؛

۳- حس انزوا و تبعیض؛

۴- خودآگاهی گروهی

¹National Geography



(source: Authors)

۲-۳- ناسیونالیسم قومی

مفهوم «ناسیونالیسم قومی»^۲ حاصل تلاش «واکر کونور»^۳ می‌باشد. از دیدگاه کونور موجود خالصی به نام دولت ملی وجود ندارد و ملت واقعی همان‌گروه قومی است. گروه قومی یک مقوله‌ی اساسی بشری است (و نه یک گروه فرعی) که از وحدت نژادی و فرهنگی برخوردار است. از دیدگاه وی تنها عاملی که به یک گروه قومی ماهیت ملیت می‌دهد، «خودآگاهی» است (Ahmadi, 2016: 37).

ناسیونالیسم قومی نوعی ایدئولوژی سیاسی است که در آن ملت برحسب قومیت تعریف می‌شود. ناسیونالیسم قومی همواره از نسل‌های پیشین عناصری را به همراه دارد، صرف‌نظر از اینکه قومیت خاص شامل چه عناصری باشد این ایدئولوژی دربرگیرنده ایده‌های یک فرهنگ بوده که میان اعضای گروه و نیاکان آن‌ها به اشتراک گذاشته شده است و همچنین دارای یک‌زبان مشترک بوده که در برخی جهات از سایر زبان‌ها متفاوت است ناسیونالیسم قومی در حال حاضر گونه غالب ناسیونالیسم در جهان است و اغلب از آن به‌عنوان ناسیونالیسم یاد می‌شود (Pishgahifard, 2006: 715).

۳- روش‌شناسی

جهت تبیین هستی‌شناسی دولت ناحیه‌ای کردستان عراق از روش توصیفی- تحلیلی استفاده شده است. توصیفی بودن پژوهش از آن جهت است که ابتدا وضعیت کنونی دولت ناحیه توصیف شده است. همچنین روندهای چند دهه گذشته که منجر به شکل‌گیری چنین شکلی از ساختار سیاسی در کردستان عراق شده است مورد بررسی قرار گرفته

²Ethnic Nationalism

³Walker Connor

است. تحلیلی بودن پژوهش نیز از آن جهت است که وضعیت موجود با توجه به مجموع متغیرهایی که منجر به چنین ساختاری گردیده است بر اساس منطق حاکم بر پژوهش به روش کیفی تحلیل گردیده است. شیوه گردآوری داده‌ها کتابخانه‌ای و اسنادی است. در این روش با مراجعه به منابع مربوطه، مستندات مورد نیاز گردآوری شده است همچنین از پژوهش‌های مختلف در فضای مجازی نیز در بخش مقالات و نشریات مرتبط استفاده شده است.

۴- یافته‌ها و بحث

با توجه به مستندات معتبر کتابخانه‌ای، ماهیت و چیستی و همچنین چرایی و ضرورت دولت ناحیه‌ای کردستان عراق به صورت کلی در قالب جداول شماره‌ی (۱) و شماره‌ی (۲) ارائه می‌گردد.

جدول شماره (۱) ماهیت و چیستی دولت‌های ناحیه‌ای

حق تعیین سرنوشت و خودگردانی ناحیه‌ای
تقسیم قدرت و برابری فرصت‌ها
ادراک هویت اقلیت فضایی
حس تعلق به سازه‌ی ناحیه‌ای
حس انزوا و تبعیض در دسترسی به فرصت‌ها
توسعه‌ی انسانی ناحیه‌ای
بالفعل ساختن منابع زیستی و معدنی
شکوفایی توانمندی‌های ناحیه‌ای
پاسداری از ارزش‌های ناحیه‌ای

جدول شماره (۲) چرایی و ضرورت دولت‌های ناحیه‌ای

ناسیونالیسم قومی
پیوستگی سرزمینی و اکولوژیکی
زبان مشترک
تمایزات جغرافیایی
انگاره‌های فرهنگی و تاریخی
خودآگاهی ناحیه‌ای
پیشبرد منافع ناحیه‌ای
ایجاد تعادل بین سازه‌های ناهمگون و تعادل ناحیه‌ای

همان‌طور که از متغیرهای ارائه‌شده در جداول شماره (۱) و شماره (۲) مشاهده می‌شود؛ هستی‌شناسی دولت ناحیه‌ای کردستان عراق چندعاملی می‌باشد. در بررسی و تبیین هستی‌شناسی دولت ناحیه‌ای کردستان عراق برخی از عوامل و متغیرها نقش اساسی و پایه‌ای دارند که به صورت زنجیروار سایر متغیرهای دیگر را به دنبال خود می‌کشانند. بنابراین و در راستای پاسخ‌گویی به سؤال و ارزیابی فرضیه تحقیق، متغیرهای پایه‌ای و اثرگذار به شرح ذیل ارائه می‌گردند:

۱-۴- ناسیونالیسم قومی

در ارتباط با تاریخچه ناسیونالیسم کرد، کریس کوچرا پژوهشگر مسائل کردستان می‌گوید: «امیر بدرخان از سال ۱۸۴۴ تا ۱۸۴۶ م، بریک پادشاهی کرد از فارس تا دجله حکمرانی می‌کند؛ بدرخان توانست احساسات و تمایلات به شورش را که از قیام‌های ناکام و اعتراضات دهقانی عدول نمی‌کرد به یک جنبش ملی تبدیل نماید. در دوره بدرخان، هویت کردی به شکوفایی رسید و در حد و قواره دولت متبلور گردید لذا می‌توان امیر بدرخان را پدر ناسیونالیسم کرد به شمار آورد» (Kutschera, 1994: 12-13).

«بروینسن» تعلق به یک قبیله، زبان، مذهب و سرزمین (وطن)^۴ را از مؤلفه‌های مهم هویت کردها می‌داند (Bruinessen, 2016: 1). وی در بررسی هویت و جنبش ناسیونالیستی کرد معتقد به کارگیری مفاهیم «هسته»^۵ و «پیرامون»^۶ می‌باشد. وی «هسته هویت و جنبش» ناسیونالیستی را به بخش‌های مشخصی از کردستان اطلاق می‌کند که بیشتر با لهجه‌های کردی سورانی و کرمانجی و مذهب سنی مطابقت دارد و آن بخش از کردستان که با دیگر لهجه‌ها و مذاهب همچون کلهری، لکی و گورانی و شیعه، علوی و ایزدی هم‌پوشانی دارد را «حاشیه‌ی جنبش و هویت» می‌داند. از دیدگاه وی، دین و مذهب نقش برجسته‌ای در تشکیل خط گسل میان کردها دارد (Ibid, 2-3). البته این رویکرد در بخش‌های از کردستان تا حدودی صحیح می‌باشد هرچند قابل تعمیم نیست. با توجه به اینکه منشأ جنبش ناسیونالیستی کرد در ابتدا، در مناطقی از کردستان نضج گرفت که با لهجه‌های مسلط (سورانی-کرمانجی) همپوشانی داشت؛ اما در کردستان عراق جنبش کردی مناطق شیعه‌نشین خانقین را نیز در بر گرفت.

انکار هویت کردها توسط دیگران خصوصاً ملی‌گرایان ترک و عرب، از جمله عواملی است که در هویت خواهی و ناسیونالیسم قومی کردها نقش داشته است. در این باره بروینسن با اشاره به کتاب‌های منتشر شده توسط ملی‌گرایان افراطی ترک می‌گوید: «در سال ۱۹۷۵ دو کتاب تحت عنوان «قبایل شرق و امپریالیسم»^۷ اثر محمود رشوانوغلو و «ترک بودن آناتولی شرقی»^۸ اثر میمت اوزور منتشر شدند؛ آن‌ها در این کتاب‌ها می‌گویند تمامی قبایلی که به نام «کرمانجی» و «زازا» در شرق آناتولی زندگی می‌کنند، ترک‌های معتبری با منشأ آسیای مرکزی می‌باشند و این امپریالیست‌ها هستند که هویتی متمایز برای آن‌ها می‌سازند (Bruinessen, 2016: 2).

اگرچه پیشینان ناسیونالیسم کرد، خود را در اواخر قرن نوزدهم نشان داده‌اند، اما اهداف آن‌ها تا پایان جنگ جهانی اول مشخص نشده بود. بعد از تقسیم امپراطوری عثمانی، ناسیونالیست‌های کرد خواهان کشور و حکومتی مستقل بودند. هرچند آن‌ها موفق به تحقق آن نشدند. آرزوی آن‌ها با نقشه‌ها و برنامه‌های دو قدرت بزرگ غربی یعنی بریتانیا و فرانسه به هم خورد. کشور کرد، نه تنها جزء برنامه‌های آن‌ها نبود بلکه هیچ‌گاه حمایت هم نشد (Seyder, 2017: 25). کردستان جنوبی^۹ که منطبق بر ولایت موصل بود، صحنه‌ی نابرابری از درگیری میان کردها

⁴Homeland

⁵Core

⁶Periphery

⁷ The Tribes of the East and Imperialism

⁸The Turkishness of East Anatolia

⁹ در برخی از منابع از کردستان عراق به نام کردستان جنوبی نام برده می‌شود.

و بریتانیا بود؛ کردها از الحاق به کشور تازه تأسیس عراق امتناع می‌کردند چیزی که با برنامه‌ریزی انگلیسی‌ها شکل گرفته بود (Ibid:25).

جنبش ناسیونالیستی کردها، در سه مقطع مختلف تقسیم‌بندی می‌شود که عبارت‌اند از: ۱- دوره فئودالی ۲- دوره شیوخ ۳- دوره جدید، ظهور باشگاه‌های کرد و احزاب مدرن (Kutschera,1994:29-47).

جدول شماره (۳) روند جنبش‌های ناسیونالیستی کرد در دوره‌های متفاوت

دوره	بازه زمانی	رهبری جنبش
دوره فئودالی	۱۸۴۶-۱۸۲۱	امیریدرخان (پدر ناسیونالیسم کرد)
دوره شیوخ	۱۸۸۰-۱۹۳۰	شیخ عبدالله نه‌ری-شیخ سعید پیران-شیخ محمود حفید-شیخ احمد بارزانی
دوره جدید	۱۹۱۹- تاکنون	باشگاه‌ها و احزاب کرد

Source: Kutschera, 1994

۲-۴- پیوستگی سرزمینی و اکولوژیکی

«کردستان» مفهومی اتنوگرافی، جغرافیایی و ملی است زیرا بخش‌های مختلف کردستان، بخشی از مرزهای کشورهای ترکیه، ایران، عراق و سوریه را تشکیل می‌دهد و به‌طور کلی سرزمین کردستان، ۲۰ درصد کل خاک کشورهای ترکیه، عراق و ایران را شامل می‌گردد. کردستان خاک و سرزمین دیرینی است که به‌عنوان وطن کردها از آن یاد می‌شود (Shamzini,2006:23). از دیدگاه شمزینی، تقسیم کردستان به چند بخش، مسئله‌ای ساختگی و بر اساس مبانی جغرافیایی نبوده است و همین امر، تأثیر چندانی از لحاظ اجتماعی بر مردم کردستان نداشته است. به‌کارگیری اصطلاح «کردستان عراق» و «کردستان ترکیه» مبنای جغرافیایی نداشته بلکه مفاهیمی سیاسی هستند که تأثیر زیادی در زندگی سیاسی و اقتصادی مردم کردستان نداشته و این تقسیم‌انگیزه و اندیشه‌ی اتحاد و پیوستگی سرزمینی کردستان را از بین نبرده است (Ibid:30).

«فائق سامرای» نویسنده مشهور عرب در کتاب «مسئله کرد»، کردستان را در معنای عام کلمه سرزمینی می‌داند که میان عراق، ترکیه، ایران، سوریه و اتحاد جماهیر شوروی [سابق] تقسیم شده است (Qazaz,1971:10).

اگر به‌دقت به سرزمین کردها (کردستان) نگریده شود، کردها در اطراف سلسله جبال زاگرس و توروس متمرکز گشته‌اند و همین واقعیت جغرافیایی مبین سخن واسیلی نیکتین می‌باشد که می‌گوید: «کردها و کوهستان‌ها الهم تفکیک‌ناپذیرند» (alkhalil,2009:24). از زمان استقرار سیستم جدید دولت در خاورمیانه، کردها بشدت متأثر از موقعیت حساس جغرافیایی خود بوده‌اند. استقرار آن‌ها در مناطق حساس مرزی ترکیه، عراق، ایران و سوریه آن‌ها را به‌صورت گروگان ژئوپلیتیکی درآورده است؛ جای که عرصه‌ی منافع کشورهای دیگر است (Stansfield,2003:12). موقعیت ژئوآکونومی کردستان و استقرار آن در منطقه‌ای سرشار از منابع غنی همچون نفت، موجب برجسته شدن نقش کردها در سیاست‌های کشورهای شده است (Ibid:12).

ازلحاظ جمعیتی، کردها به‌طور عمده در قسمت‌های شمال غربی و [غربی] ایران، شرق و [جنوب شرق] ترکیه، شمال عراق و شمال سوریه واقع شده‌اند (Dhalman,2009:218). کردستان [عثمانی] بعد از جنگ جهانی اول به‌وسیله خط مرزی تقسیم شد. هر بخش از کردستان در داخل هریک از کشورهای، روابط متشنجی را با ترکیه، عراق، ایران، سوریه و اتحاد شوروی سابق را تجربه کرده‌اند (Ibid:218).

ازلحاظ جغرافیای طبیعی، کردستان در کمربند کوهستانی هلال خصیب واقع شده است؛ جایی که به وسیله زنجیره کوه‌های توروس و زاگرس منطقه‌ی میزوپوتامیا احاطه شده است. این کوه‌ها، هم‌محلّی برای زندگی وهم محافظ کردها بوده‌اند (Stansfield, 2003:28). در ارتباط با اهمیت پدیده کوهستان در زندگی کردها «مهرداد ایزدی» [محقق کرد] می‌گوید: «در کردستان به‌هم‌پیوسته و همچنین مناطق پراکنده سکونتگاه‌های کردی [مانند شمال خراسان]، کوهستان‌ها مهم‌ترین پدیده طبیعی هستند، آن‌ها تاریخ، فرهنگ، جمعیت و سنت‌های کردها را شکل بخشیده‌اند (Ibid:28). نقش کوهستان‌ها و جغرافیای طبیعی یکی از مهم‌ترین عوامل در پیوند اکولوژیک میان محیط طبیعی و محیط انسانی در کردستان بوده است. در این باره لازریف از محققان کردشناسی می‌گوید: «جغرافیای طبیعی و نمود جغرافیایی سطح زمین تأثیر بزرگی بر روند قومی کردها به‌ویژه در مراحل اولیه اتنوژنز¹⁰ آن گذاشته است. از یک طرف شکل کوهستانی این سرزمین ارتباط گروه‌های مختلف تشکیل‌دهنده قوم کرد را دشوار ساخته، و از طرف دیگر و در واقع زمان جنگ‌ها و تهاجمات کثیر، در حکم قلعه و پناهگاهی طبیعی برای آن‌ها بوده است. کردها از برکت آن، تا حد قابل ملاحظه‌ای توانستند با عوامل تهدیدکننده ثابتی همچون قوم کشی‌ها و «همگون شدن»¹¹ مقابله کنند. نمود سطح زمین [ویژگی‌های ژئومورفولوژیکی و توپوگرافیکی] کردستان در حد قابل توجهی تعیین‌کننده فعالیت‌های اقتصاد سنتی کردها، یعنی دامداری احشام متکی بر دام‌های شاخ‌دار در مراتع حاصلخیز کوهستانی بود.» (Lazrif&Others, 1999:11).

کردها از هویت اکولوژیک برخوردارند به این معنی که آن‌ها دارای سرزمین کوهستانی ویژه با مشخصات جغرافیای خاص بوده و آن روابط متقابل اکولوژیک دارند که مفهوم وطن را پیدا می‌کند. این سرزمین در طول تاریخ و از هزاره دوم قبل از میلاد به آن‌ها تعلق داشته و به‌طور پیوسته در آن ساکن بوده‌اند. هویت اکولوژیک در شکل‌گیری مفهوم وطن و رابطه عاطفی با سرزمین و زیستگاه، زیرساخت احساس حق شهروندی و خودگردانی را تشکیل می‌دهد (Hafeznia, 2006:15). وضعیت جغرافیایی کردستان از لحاظ عوامل اقلیمی و توپوگرافیکی و سکونت کردها در سرزمینی با ترکیب کوه‌ها و دامنه‌های حاصلخیز، دشت‌های میانکوهی و پهنه‌های جنگلی و همچنین ریزش نزولات جوی مناسب و خروش رودخانه‌های فراوان در این منطقه و همچنین الگوهای مشابه کشاورزی، دام‌پروری، شیوه‌های سکونتگاهی و مناسبات اجتماعی و فرهنگی مشترک، نمودی از پیوستگی اکولوژیک میان کردها را به منصفی ظهور رسانده است و همین پیوستگی اکولوژیکی، زمینه‌ی تمایز این منطقه را نسبت به سرزمین‌های هم‌جوار فراهم ساخته است. گسل اکولوژیکی کردها در منطقه، با شکست ایران صفوی در برابر ترکیه عثمانی در جنگ معروف چالدران در سال ۱۵۱۴ م آغاز شد و بعد از پایان جنگ جهانی اول در سال ۱۹۱۸، با تقسیم‌بندی سیاسی فضا در خاورمیانه تکمیل گردید. با وجود اینکه پدیده مدرن مرز میان واحدهای سیاسی جدید در خاورمیانه همبستگی سرزمینی کردها را مخدوش ساخته است، اما تحولات سیاسی یک قرن اخیر در نواحی کردنشین، مفهوم سرزمین واحد و سرنوشت واحد را در میان کردها زنده نگاه داشته است.

۳-۴- تمایزات جغرافیایی

۴-۳-۱- تفاوت‌های اقلیمی و توپوگرافیکی کردستان با سایر بخش‌های عراق

¹⁰Ethnojenz

¹¹Assamilaition

سرزمینی که کردهای عراق در آن زندگی می‌کنند؛ شامل سلسله کوه‌ها و دامنه‌ی تپه‌ها، جنگل‌های تنک و پراکنده بلوط، باغ‌ها و تاکستان‌ها به همراه دره‌های رودخانه‌ای حاصلخیز. رودخانه‌های بزرگ جاری در کردستان عراق عبارت‌اند از: زاب بزرگ، زاب کوچک و دیاله [سیروان] (Robson, 1996:2).

رشته‌کوه‌های کردستان عراق از شمال غربی به سمت جنوب شرقی در امتداد مرزهای ایران و عراق گسترش پیدا نموده‌اند. این رشته‌کوه‌ها با شیب ملایمی به سمت دشت‌های حاصلخیز حریر^{۱۲}، اربیل، شاره زور^{۱۳} و گرمیان امتداد می‌یابند. این دشت‌ها که به صورت کوهپایه‌ای توصیف می‌شوند؛ منطق بر نوار بارندگی سالانه‌ی ۳۵۰ میلی‌متری واقع شده‌اند. ارتفاعات بلند کردستان عراق، با ویژگی‌های زمستان‌های سخت و بارش سنگین برف و ریزش‌های جوی بین ۴۰۰ تا ۲۰۰۰ میلی‌متر شناخته می‌شوند (Stansfield, 2003:28). طبق الگو و سیستم طبقه‌بندی آب و هوایی کوپن^{۱۴}، نواحی کوهستانی کردستان عراق ممکن است در تیپ آب‌وهوایی DSa^{۱۵} که ویژگی آن زمستان‌های مرطوب و سرد با تابستان‌های گرم است، واقع می‌شود. دشت‌ها و نواحی دره‌ای آن، نوع آب‌وهوایی CSa^{۱۶} می‌باشد؛ که مشخصه آن، زمستان بارانی و تابستان گرم و خشک است و میزان بارش سالانه‌ی مابین ۲۰۰ تا ۶۰۰ میلی‌متر می‌باشد (Ibid:30).

شرایط آب‌وهوایی کردستان عراق و تأثیر الگوی منطقه از ویژگی‌های مدل مدیترانه آبی، زمینه‌ی ریزش نزولات جوی فراوان را فراهم نموده به طوری که میزان برف و باران منطقه، به طور متوسط ۴۰۰ تا ۲۵۰۰ میلی‌متر در نوسان می‌باشد و این میزان از ریزش‌های جوی، حجم آب اقلیم کردستان را به ۴۰ میلیارد مترمکعب می‌رساند (Sabir, 2009:7).

حجم زیاد ریزش‌های جوی، زمینه‌ساز شکل‌گیری چشم‌اندازهای جنگلی و مرتعی غنی در اقلیم کردستان شده است و همین ویژگی‌های طبیعی، تمایز عینی میان این منطقه با سایر بخش‌های عراق را فراهم ساخته است. شرایط اقلیمی واب و هوایی، ژئومورفولوژیکی و توپوگرافیکی کردستان عراق کاملاً با دیگر بخش‌های عراق متفاوت بوده و همین تمایز در جغرافیای طبیعی، موجب خلق تمایزات فرهنگی و اجتماعی میان این منطقه با دیگر بخش‌های عراق شده است.

۴-۳-۲- بنیان‌های زیستی

کردستان عراق از لحاظ دارا بودن بنیان‌های زیستی (منابع آب و خاک)، از غنی‌ترین مناطق عراق به شمار می‌رود. منابع آب کردستان عراق، تابع شرایط اقلیمی و وضعیت توپوگرافیک و شیب منطقه می‌باشد. کردستان از لحاظ منابع طبیعی بسیار غنی است. خصوصاً کردستان عراق سرشار از منابع گسترده آب و نفت می‌باشد. کردستان به‌منزله‌ی واحه‌ای^{۱۷} است در منطقه‌ی گرسنه‌ی آب^{۱۸}. بارش فراوان در کوهستان‌های توروس و زاگرس،

¹²Harir

¹³Sharazur

¹⁴Koepfen ولادمیر کوپن (۱۹۴۰-۱۸۴۶) اقلیم‌شناس روسی - آلمانی، در سال ۱۸۸۴ م یکی از مهم‌ترین نظام‌های طبقه‌بندی آب‌وهوایی را بر اساس سه معیار بارش، دما و پوشش گیاهی ارائه داد.

¹⁵ اقلیم قاره‌ای مرطوب

¹⁶ اقلیم مدیترانه‌ای - داخلی

کردستان را به یکی از سرزمین‌های پرآب خاورمیانه تبدیل نموده است. سرشاخه‌های عمده‌ی آب رودخانه دجله که شامل زاب بزرگ، زاب کوچک و دیاله، از کردستان عراق وارد آن می‌شوند (Stansfield, 2003:30). نزولات جوی در اقلیم کردستان از منابع اصلی کشت و زرع دیمی در منطقه به شمار می‌رود به طوری که در حدود (۱۳۱۰۵۲۱۲) هکتار از زمین‌های زارعی منطقه وابسته به ریزش‌های جوی سالانه می‌باشد. و همچنین ریزش‌های جوی، از منابع اصلی آب‌های روان و زیرزمینی منطقه نیز محسوب می‌گردد (Sabir, 2009:8). کردستان در مقایسه با دیگر بخش‌های عراق، از توانمندی زیستی بالقوه‌ای برخوردار است. این منطقه، با دارا بودن منابع غنی خاک و آب، اهمیت فوق‌العاده‌ای از لحاظ «امنیت غذایی»^{۱۹} برخوردار است (Abdollahman, 2006:27). کردستان عراق از لحاظ دشت‌های حاصلخیز و زمین‌های زارعی، دارای جایگاه مهمی در تولید محصولات زراعی مخصوصاً غلات در سطح عراق می‌باشد و نه تنها این منطقه، نیازهای غله‌ای خود را تأمین نموده، بلکه بخش مهمی از نیازهای عراق را نیز تأمین می‌نماید. برای نمونه و به نقل از وزارت کشاورزی اقلیم کردستان، تولید گندم در سال زراعی (۲۰۲۰) در کردستان عراق دو برابر مازاد داخلی آن می‌باشد (Rudaw: 2020). کردستان عراق از جایگاه هیدروپلیتیک مهمی در سطح عراق برخوردار است. اگرچه کردستان عراق نیز بخش مهمی از آب مورد نیاز خود را از رودخانه‌های سایر بخش‌های کردستان تأمین می‌نماید؛ اما در مقایسه با سایر بخش‌های عراق، از موقعیت بالادستی برخوردار می‌باشد. ریزش‌های جوی مناسب و همچنین وضعیت توپوگرافیک منطقه، موقعیت کردستان عراق را از لحاظ دستیابی به بنیان‌های زیستی نسبت به سایر بخش‌های عراق مجزا ساخته است.

۴-۴- انگاره‌های فرهنگی و تاریخی



¹⁷Oasis

¹⁸Water-Starved

¹⁹Food Security

۱-۴- مطالبه‌ی خودگردانی بر اساس الگوهای سازمان‌دهی سیاسی فضا

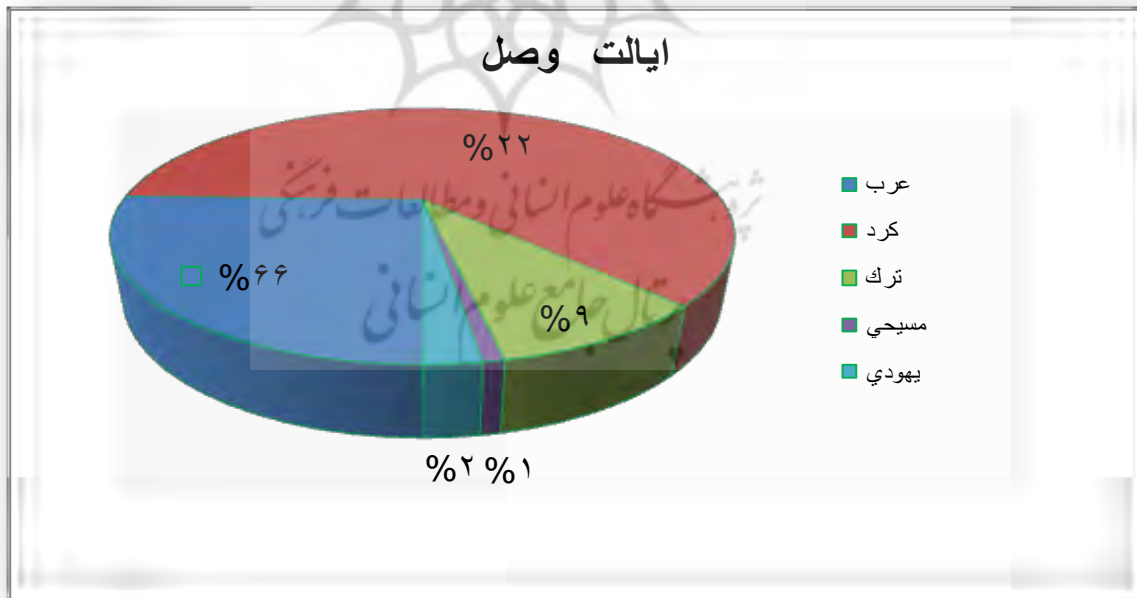
کردها بیش از یک طرف صدسال است به این خودآگاهی ملی رسیده‌اند که آنها نیز همانند ملل هم‌جواریان حق داشتن سرزمین و حکومت خود می‌باشند. کردها می‌دانند که تاریخ، زبان، سرزمین، محدوده‌ی جغرافیایی مشخصی با دیگران دارند (Qazaz, 2007: 8). مسئله‌ی حق تعیین سرنوشت و مطالبه‌ی خودگردانی ناحیه‌ای از جانب کردهای عراق به زمان الحاق ایالت موصل به ایالت‌های بغداد و بصره برمی‌گردد. این ایالت با اکثریت جمعیت کرد بدون نظرخواهی از آنها، به عراق جدید الحاق گردید.

جدول شماره (۴) جمعیت ولایت موصل به روایت هیئت بریتانیایی ۱۹۲۲

ایالت موصل	عرب	کرد	ترک	مسیحی	یهودی	مجموع
استان موصل	۱۷۰۶۶۰	۱۷۹۸۲۰	۱۴۸۹۵	۵۷۴۲۵	۹۶۶۵	۴۳۲۴۲۸
استان اربیل	۵۱۰۰	۷۷۰۰۰	۱۵۰۰۰	۴۱۰۰	۴۸۰۰	۱۰۰۰۰۰
استان کرکوک	۱۰۰۰۰	۴۵۰۰۰	۳۵۰۰۰	۶۰۰	۱۴۰۰	۹۲۰۰۰
استان سلیمانیه	-	۱۵۲۹۰۰	۱۰۰۰	۱۰۰	۱۰۰۰	۱۵۵۰۰۰
مجموع	۱۸۵۷۶۳	۴۵۴۷۲۰	۶۵۸۹۵	۶۲۲۲	۱۶۸۶۵	۷۸۵۴۶۸

source: Khourshid- Toufigh. 2000

نمودار شماره (۱) ترکیب جمعیتی ایالت موصل به روایت هیات بریتانیایی ۱۹۲۲



Source: Authors

همان‌طور که از آمار ارائه‌شده توسط هیات بریتانیایی در سال ۱۹۲۲ هویداست، کردها اکثریت جمعیت ولایت موصل را تشکیل می‌داده‌اند.

کردهای عراق مطابق با مواد مندرج در پیمان سور، حق خودمختاری و حق تعیین سرنوشت در قالب کشور مستقل را پیدا کرده بودند علی‌رغم اینکه این مواد اجرایی نگردید؛ اما مفاد آن حکایت از به رسمیت شناختن جنبش بین‌المللی کردها و تمایل آن‌ها به حق خودمختاری در قرن بیستم بود. مواد این پیمان هنوز اساس ادعاهای کردها برای ایجاد کشور خودشان را تشکیل می‌دهد (Entesar, 2005: 111).

در یک جمع‌بندی کلی و با توجه به رخدادهای پیش‌آمده فی‌مابین دولت مرکزی عراق و کردهای آن کشور، مطالبات کردهای عراق در راستای حق تعیین سرنوشت، در قالب استقلال، خودمختاری و فدرالی از سال ۱۹۱۹ تاکنون در قالب جدول شماره (۵) ارائه می‌گردد:

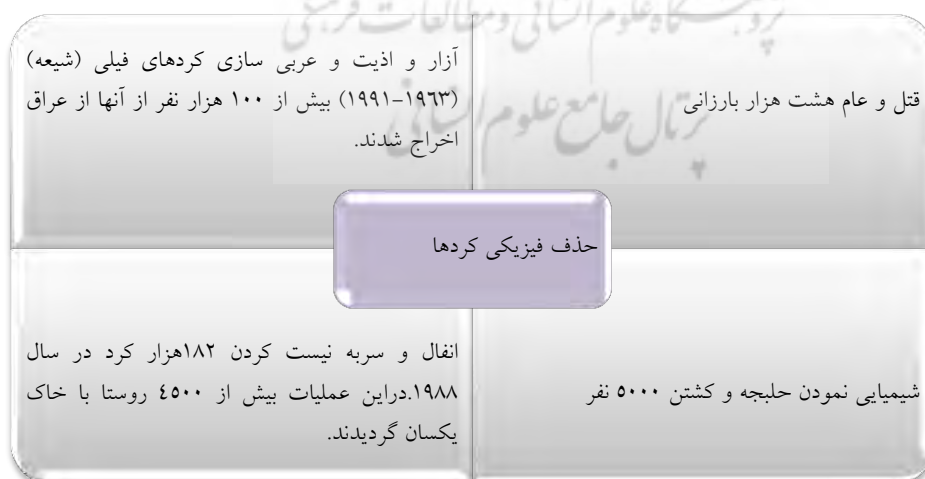
جدول شماره (۵) رخدادها و مطالبات کردهای عراق در راستای حق تعیین سرنوشت

مطالبات	محدوده جغرافیایی	محدوده زمانی	رهبری جنبش
تشکیل کشور کردستان	استان سلیمانیه	۱۹۱۹-۱۹۳۱	شیخ محمود برزنجی (ملک کردستان)
خودگردانی تا خودمختاری	کردستان عراق	۱۹۳۳-۱۹۷۵	ملاً مصطفی بارزانی
خودمختاری کردستان	کردستان عراق	۱۹۷۵-۱۹۹۱	حزب دمکرات کردستان (عراق)
حق تعیین سرنوشت	کردستان عراق	۱۹۷۵-۱۹۹۱	اتحادیه میهنی کردستان
نظام فدرالی	کردستان عراق	۱۹۸۸-۱۹۹۱	جبهه‌ی کردستانی
نظام فدرالی - در سال ۲۰۱۷ برگزاری رفراندوم استقلال	کردستان عراق	۱۹۹۲- تاکنون	پارلمان منطقه‌ای کردستان عراق

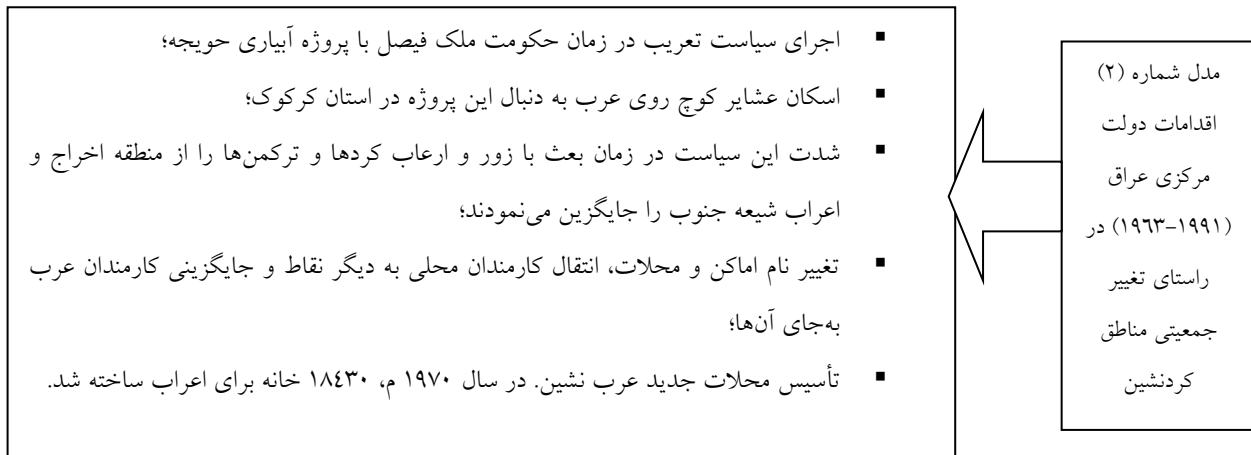
۲-۴- پاسداری از ارزش‌های ناحیه‌ای

۱-۲-۴- حذف فیزیکی کردها

مدل شماره (۱) سیاست‌های دولت مرکزی عراق (۱۹۹۱-۱۹۶۳) در راستای حذف فیزیکی کردها



Source: Authors



Source: Authors

۴-۷- تجارب ملت‌سازی در کشورهای منطقه

در خصوص نقش ترک‌ها و اعراب در زایش اندیشه‌ی ملی در میان کردها، مک داول می‌گوید: «حصول این ادراک از خود به‌عنوان جامعه‌ای ملی بیش و کم مقارن زمانی است که ترک‌ها و عرب‌ها کم‌کم هویت ملی را جایگزین دو عامل پیوستگی سابق، یعنی اندیشه‌ی تابعیت عثمانی و عضویت در یک جامعه مذهبی خاص یا ملت می‌کنند. هم در ایران و هم در عثمانی لفظ ملت که دلالت بر هویت مذهبی داشت در سده نوزدهم به لفظی بدل گردید که مفهوم «Nation» از آن مستفاد می‌شد. یکی از عواقب این جریان این بود که کردها که اکنون خود را برحسب قومیت مشخص می‌کردند، خویشتن را در حال مبارزه با کشورهایی یافتند که می‌خواستند هویت جدیدی بر اساس «قومیتی که احساس می‌کردند از ایشان دریغ شده است» بنا کنند.» (Macdawal, 2002: 40).

سقوط تدریجی امپراتوری عثمانی، زمینه‌ی بروز ناسیونالیسم ترک را فراهم نمود. در دوران امپراتوری، مذهب فرد ویژگی ملیت وی را تعیین می‌کرد نه نژاد و زبان او. مفهوم ملیت بر اساس زبان و سرزمین متصور نشده بود (Draysdel & Belike, 1991: 78). باروی کار آمدن جنبش ترک‌های جوان، به‌مرور سیاست ترکی سازی آغاز شد. زبان و نژاد ترک مورد تأکید قرار گرفت و سایرین خصوصاً اعراب از اطراف سلطان برکنار شدند. همین مسئله موجب ظهور ناسیونالیسم عرب شد. با پیروزی‌های آتاتورک، تب ناسیونالیستی ترک به اوج رسید. این سیاست، موجب درد و رنج و فشار برای کردها و ارمنی‌های ترکیه گردید هرچند شالوده‌ی حیات ملی ترک را بنا نهاد (Ibid: 79). در ارتباط با ناسیونالیسم عرب، ظهور ترک‌های جوان و طرد اعراب از دستگاه خلافت عثمانی خصوصاً بعد از ۱۹۰۸ م را زمینه‌ساز تحرک و شکل‌گیری ناسیونالیسم عرب می‌دانند (Ibid: 79).

اعراب به‌طور عام و عرب‌های عراق به‌طور خاص با وجود مصائب ناشی از دربار عثمانی، بعد از سقوط و متلاشی شدن قدرت در استانبول، با پشتیبانی بریتانیا پایه‌های حکومت خود را در عراق بنیان نهادند؛ اما آن‌ها نیز همچون ترک‌ها در ترکیه، اساس حکومت را بر نفی دیگران و تلاش در راستای امحای فرهنگی و ملی اقلیت‌ها خصوصاً کردها نهادند. در این باره لازریف می‌گوید: «ملی‌گرایان عراقی همانند کمال‌گراها در ترکیه، که در دو تشکیلات

«حرس الاستقلال» و «الاحدال- عراقی» متحد شده و رهبری ضد امپریالیستی ملت عراق را به عهده گرفته بودند، هم‌زمان حقوق کردها را برای تعیین حق سرنوشت نفی می‌نمودند» (Lazrif&Others,1999:162).

تفکر پان‌عربیسم و سرزمین واحد عرب، زمینه‌ساز خشونت و جنگ‌های خونین در عراق شد. این رویکرد خشن عربی، در شکل و شمایل ناسیونالیسم افراطی (بعثیسم) با قدرت گرفتن حزب بعث در اواخر دهه‌ی شصت میلادی در عراق ظهور یافت. سیاست ملت‌سازی در عراق بر اساس آموزه‌های پان‌عربیسم، نقش مهمی در خیزش ملی در میان کردهای عراق در پی داشت.

اندیشه بعثیسم و شکل‌گیری حزب بعث در عراق به سال ۱۹۴۸ م برمی‌گردد. این حزب بر محور این شعار استراتژیک پایه‌گذاری شد: «ملت واحد عرب، حامل پیام ابدی». بر اساس این شعار، امت عرب تنها وارث سرزمین عربی و اسلام به‌عنوان پیام ابدی و از نشانه‌های بارز امت عرب قلمداد می‌گردد. و دیگر ملت‌ها همچون کردها، اقلیتی مهاجر در سرزمین عرب به شمار می‌روند که در صورت عدم همراهی با اکثریت اعراب، به‌عنوان دیگری و دشمن تلقی می‌گردند (Ahmadkarim,2015:12).

ناسیونالیسم عربی، یکی از پایه‌های ایدئولوژی حزب بعث را تشکیل می‌دهد. گفتمان ناسیونالیستی عربی (پان‌عربیسم)، گفتمان مسلط ایدئولوژیک حزب بعث می‌باشد. در این گفتمان تأکید بر زبان عربی، میهن و ملیت عرب می‌باشد. از این زاویه، عرب‌کسی است که به زبان عربی تکلم می‌کند، در یکی از سرزمین‌های عربی ساکن است و خود را بخشی از ملت عرب می‌داند (Salimi&Others,2008).

اندیشه‌های ناسیونالیستی اعراب، خصوصاً حزب بعث، بر اساس نفی هرگونه هویت غیرعربی نضج گرفت لذا در روند تثبیت چنین اندیشه‌ای، به‌صورت سیستماتیک و با استفاده از روش‌های مختلف نرم‌افزاری و سخت‌افزاری، هویت‌های غیر خود به‌خصوص کردها را مورد آزار و اذیت جدی قرار داد.

۵- نتیجه‌گیری

امروزه مناقشات قومی خصوصاً در مناطقی از جهان که زمینه بحران‌خیزی بالایی دارند؛ به یکی از مشکلات اساسی در تعامل میان دولت‌های مرکزی و گروه‌های قومی و مذهبی تبدیل شده است.

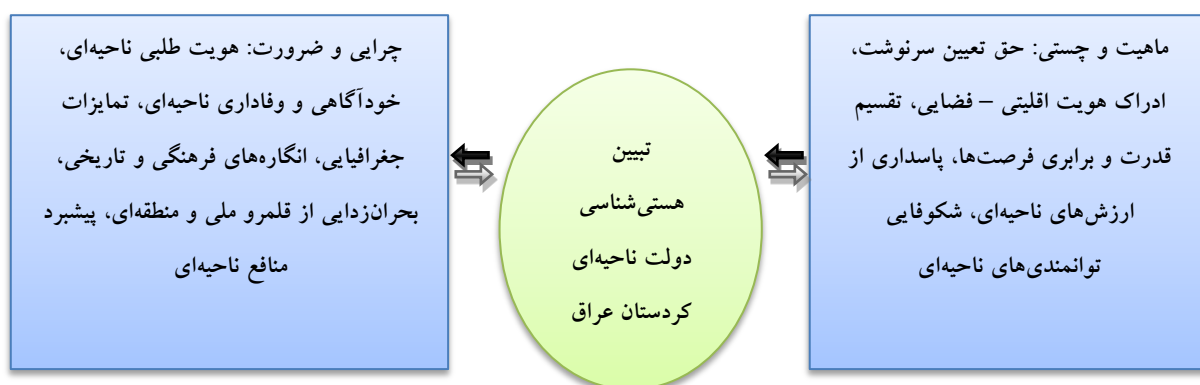
عراق از جمله کشورهای منطقه محسوب می‌شود که از بدو تأسیس، فاقد علت وجودی بوده و عامل بیرونی و معادلات ژئوپلیتیکی نقش بارزی در تشکیل آن بازی نموده است. کردهای ولایت موصل که کردستان عراق امروزی را تشکیل می‌دهند، بدون هیچ‌گونه اشتراک قومی و نژادی و علی‌رغم خواست و تمایل آن‌ها به این کشور جدید الحاق گردیدند. نارضایتی کردهای عراق به چنین تصمیمی، منجر به مبارزات بدون انقطاع آن‌ها در راستای حق تعیین سرنوشت و تشکیل دولتی ناحیه‌ای در قلمرو سرزمینی‌شان گردید.

فلسفه‌ی وجودی دولت ناحیه‌ای کردستان عراق چندعاملی بوده که در میان عوامل اثرگذار، متغیر هویت طلبی و ناسیونالیسم قومی به‌عنوان متغیر پایه و اساسی در روند شکل‌گیری اندیشه‌ی تعیین حق سرنوشت و برپانمودن سازه‌ی فضایی- سیاسی در قالب مدل خودمختاری و فدرالی بوده است. ریشه‌های هویت طلبی و ناسیونالیسم قومی در کردستان عراق، بر پایه‌ی خودآگاهی و وفاداری ناحیه‌ای، تمایزات جغرافیایی، انگاره‌های فرهنگی، خاطرات

سیاسی و تاریخی مشترک و حس تبعیض و انزوا بنا گردیده است. ناسیونالیسم کردی در عراق، واکنشی هدفمند به فرایند هویت زدایی سازه‌ی انسانی ناحیه‌ای از سوی حکومت مرکزی در دهه‌های گذشته بوده است. از جانب دیگر، ملی‌گرایان کرد دستیابی به منابع قدرت و ثروت و برابری در فرصت‌ها را در شکل و قواره‌ی سازه‌ی ناحیه‌ای جستجو نموده‌اند. عوامل مؤثر در تبیین هستی‌شناسی دولت ناحیه‌ای کردستان عراق از رابطه‌ی دیالکتیکی و زنجیره‌وار تبعیت می‌کنند. مهم‌ترین عامل تأثیرگذار در فرایند شکل‌گیری دولت ناحیه‌ای کردستان، مسئله‌ی هویت طلبی ناحیه‌ای بوده است. هویت طلبی ناحیه‌ای زمینه‌ساز شکل‌گیری اندیشه ناسیونالیسم قومی و به تبع آن مطالبه‌ی حق تعیین سرنوشت با توجه به تمایزات جغرافیایی و فرهنگی میان کردستان و سایر بخش‌های عراق و در چهارچوب الگوهای رایج در سازمان‌دهی سیاسی فضا یعنی خودمختاری و فدرالیسم بوده است. دولت ناحیه‌ای کردستان عراق، از منظر هستی‌شناسی و فلسفه‌ی وجودی، محصول نفی و انکار هویت سازه‌ی انسانی است که بدون توجه به انگاره‌های فرهنگی و تفاوت‌های جغرافیایی به سازه‌ی دیگری با زمینه‌های فرهنگی و نژادی متفاوت الحاق و خواست و مطالبات آن‌ها قربانی معادلات ژئوپلیتیکی قدرت‌های برتر منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای گردیده است. هویتی که زمینه‌ساز خودآگاهی ناحیه‌ای و به تبع آن شکل‌گیری اندیشه‌ی ناسیونالیستی و تلاش در راه حق تعیین سرنوشت و برپایی دولتی ناحیه‌ای گردید...

در یک جمع‌بندی و با توجه به مطالب ارائه‌شده، می‌توان گفت مهم‌ترین عامل مؤثر در تبیین فلسفه‌ی وجودی دولت ناحیه‌ای کردستان عراق، هویت طلبی ناحیه‌ای است. هویت طلبی ناحیه‌ای زمینه‌ساز شکل‌گیری ناسیونالیسم قومی و طرح مطالبات ناحیه‌ای می‌باشد. کردهای عراق با استناد به ویژگی‌های متمایز جغرافیایی و فرهنگی با دیگر بخش‌های عراق، خواهان تشکیل کیانی سیاسی - فضایی در الگوی خودمختاری و فدرالی بوده‌اند؛ از دیدگاه هویت خواهان کرد، دولت ناحیه‌ای کردستان در پاسداری از ارزش‌های ناحیه‌ای و هویتی و هم‌چنین تقسیم فضایی قدرت میان مرکز و ناحیه و ایجاد تعادل ناحیه‌ای در دستیابی به برابری فرصت‌ها، نقش مهمی بازی نموده است. دولت‌های ناحیه‌ای در چارچوب حکومت و سازه ملی، از لحاظ ماهیت و چرایی از کشوری به کشور دیگر متفاوت هستند؛ اما در مجموع می‌توان علل وجودی چنین سازه‌هایی را چندعاملی دانست. ماهیت و چرایی دولت‌های ناحیه‌ای طیف مختلفی از عوامل و متغیرهای مؤثر را در برمی‌گیرد و دولت ناحیه‌ای کردستان عراق نیز از این امر مستثنی نیست. به راین اساس، تبیین هستی‌شناسی دولت ناحیه‌ای کردستان - عراق در قالب الگوی پژوهشی ذیل ارائه می‌گردد:

مدل شماره (۳) الگوی تبیین هستی‌شناسی دولت ناحیه‌ای کردستان عراق



کتابنامه

1. Abdi,A. (2018).Theoretical Explanation of Ethnic Divergence in Political Geography,*Geopolitics Quarterly*,13(4), . [in Persian].
2. Abodoraman,F. (2006).*Racial Genocide In Iraqi Kurdistan,slemani*.Thought and Astuteness School.[in kurdish].
3. Ahmad Karim, A. (2015). *Anfal of Garmyan(Political Geography Study)*.slemani University. [in kurdish]
4. Ahmadi, H.(2016).*Ethnic and Ethnicity in Iran, From Myth to Reality*. Iran,Tehran:Nai Publication.[in persian].
5. Anderson, L., & Stansfield, C. (2004).*The future of Iraq, Dictatorship, Democracy,or Division?*. US, NewYork: Palgrae macmilln.
6. Besikci,I. (1999). *kurdistan's Problem in Turki and Iraq.*(M.R., Moradi, Trans.). Iran,Tehran,Hamida publication. [in Persian].
7. Dahlman,C. (2002).Political Geography of Kurdistan. *Eurasian Geography and Economics*,No,43.
8. Derek,K. (1997).Kurds and Kurdistan. (E, Yunesi,Trans.). Iran,Tehran:Agah publication. [in Persian].
9. Ezzati,E, (2006).*New Theory of Political Geography*. Iran,Tehran:Ghoomes Publishing Company,Tehran,Iran.[In Persian].
10. Fearon,J.D.(1999).*What is Identity(As we now use the word)?*. US, California :Stanford University.
11. Guran,Kh. (2002).*Kurd in Mosel Province, Arbil*. Iran, Tehran:Aras Publication. [in kurdish]
12. Hafeznia,M.R.,, & Kaviani,M. (2002).*The New Approaches in Political Geography*. Iran,Tehran:SAMT Publication. [in Persian]
13. Hafeznia,M.R.,, & Kaviani,M. (2014).*The philosophy of Political Geography*. Iran,Tehran: Strategy.[in Persian]
14. Hafeznia,M.R. (2015).*An Introduction to the Research Method in Humanities*. Iran, Tehran: Samt Publication. [in Persian].
15. Hafeznia,M.R., Ahmadipour,Z., & GhaderiHajat, M.(2012).*Politics and Space*. Iran, Mashahd,papoli publication. [in Persian].
16. Haggett,P. (2015).*Geography a Modern Synthesis*. (Sh.,Gudarzinejad Trans.) Iran,Tehran:SAMT Publication.[in Persian]
17. Haghpanah, J.(2007).*Kurds and foreign Policy Islamic Republic of Iran*. Iran,Tehran: Cultural's Institute of International Studies and Research Abrar Contemporary Iran. [in Persian].
18. Hasanpoor,A. (2002).Patriotic Union of Kurdistan,Rave. *poltical,cultural and social quarterly*,No3.[in Persian].
19. -Khaledi,H., & ,Mohamadi,H. (2012).*Iraqi Kurdistan Geopolitics*. Iran, Tehran:Entekhab Publication.[in Persian]
20. Kutschera,CH. (1994).*National Kurd Movement*. (E., Yunesi Trans.) Iran,Tehran: Aga publication. [in Persian].
21. Larna,A. and Others (2007).*The New Social Movements: From Ideology to -Identity*. (M.,kamalsarwariyan & A., Sobhadel Trans.). Iran,Tehran: Strategy Studies Publication. [in Persian]
22. Lazrif and Others (1999).*History of Kurdistan*. (M., Sedghi & K., Amin, Trans.). Russia,Mosco: Ava. [in Persian]
23. Macdowall, D. (2004).*Modern History of Kurds*. (E.,Yunesi Trans.). Iran, Tehran: Paniz publication. [in Persian].
24. Noi,A.U. (2012).The Arab Spring, Its Effects in The Kurds,and Approaches if Turkey,Iran,Syria and Iraq and Kurdish Issue.*Middle East Review of International Affairs*, 16(2),15-29.

25. Oblans,E. (1998).*Kurdish's Movment*. (F., Qazi, Trans.)Iran, Tehran: Razhe publication. [in Persian].
26. Pishgahifard,Z. (2005).*Dictionary of Political Geography*. Iran, Tehran: Entekhab Publication [in Persian].
27. Robson,B.(1996).*Iraqi Kurds Their History and culture*. Published by Refugee service center.
28. -Sabir,B.(2009). *Water Resources in Kurdistan of Iraq*. Slemani:Strategic Research Center. [in kurdish]
29. -Sabir,R. (2008).*Culture and Nationalism*,slemani:Kurdology Center.[in kurdish]
30. Salimi,B. (2007).*Historical-Comparative Study,Arab Nationalism and Kurdish Nationalism in 1968-1992*. Master Thesis,Tarbiat Moderes. [in Persian].
31. -Towfik Khoshnaw,J. (2002).*Kurdish Problem in International law*. slemani:Strategic Research Center. [in kurdish]

